

خیلواکی



استقلال

سه شنبه ۴ اگست ۲۰۲۰

فریده نوری

به هر بهار گل از زیر گل بر آرد سر
گلی برفت که نیاید به صد بهار دیگر



رفتم به گلزار از داغ دختر
دیدم گلی را زیبا و معطر
در خیل گل ها زیباترین او
افتاده یکجا گردیده پر پر

تنهایی

نه دل مفتون دلبندي نه جان مدهوش دلخواهي
نه جان بي نصيبم را پيامي از دلارامي
نيايد محفلم گرمي نه از شمعي نه از جمعي
به ديدار اجل باشد اگر شادي كنم روزي
كيم من؟ آرزو گم کرده ای تنها و سرگردان
گهي افتان و خيزان چون غباري در بياباني
رهي تا چند سوزم در دل شب ها چو كوكب ها
(رهي معيري)

نه برمژگان من اشكي نه بر لب هاي من آهي
نه شام بي فروغم را نشاني از سحرگاهي
ندارد خاطر م الفت نه با مهري نه با ماهي
به بخت واژگون باشد اگر خندان شوم گاهي
نه آرامي نه اميدي نه همدردی نه همراهي
گهي خاموش و حيران چون نگاهي در نظر گاهي
به اقبال شرر نازم كه دارد عمر كوتاهي

